



استمداد

کلیدواژه: توحید ، شرک ، دعا ، استمداد، تأثیر و تأثر، [اسباب](#) ، نقش مخلوقات.
پرسش: در اکثر جاها نوشته یا گفته می‌شود یا الله، یا [مجد](#) ، یا علی، یا حسین و غیره بعضی‌ها می‌گویند که بجز گفتن "یا الله"، استفاده از "یا" برای دیگر اسم‌ها درست نیست؛ زیرا استمداد از غیر خداست. آیا این صحیح است؟
پاسخ: اگر استمداد از غیر خدا با این اعتقاد باشد که این بزرگان و اولیای الهی مستقیماً حاجت برآورده می‌کنند و در برآوردن [حاجت](#) نیازمند خدا نیستند، این شرک و ضد توحید است و جایز نیست؛ ولی اگر اعتقاد این باشد که این بزرگان حاجت‌ها را با [اذن](#) خدا و با قدرتی که خداوند به آنان عنایت فرموده است، بر آورده می‌سازند، این نه‌تنها شرک نیست، بلکه عین توحید است و هیچ اشکالی ندارد.

فهرست مندرجات

- ۱ - مفهوم شرک
- ۲ - مفهوم دعا در قرآن
- ۳ - معنای دعا در قرآن
 - ۳.۱ - ۱. عبادت
 - ۳.۲ - ۲. دعوت کردن
 - ۳.۲ - ۳. تقاضای حاجت از راه معمولی
 - ۳.۴ - ۴. تقاضای حاجت از راه غیر عادی
 - ۳.۴.۱ - ا. اعتقاد به استقلال غیر خدا در تأثیر
 - ۳.۴.۲ - ب. اعتقاد به تأثیرگذاری خداوند
- ۴ - اعتقاد به نقش مخلوقات در تأثیر و تأثر
- ۵ - چسبندگی میرز توحید و شرک
 - ۵.۱ - نمونه‌هایی از آیات قرآن
 - ۵.۱.۱ - آیه ۴۹ سوره آل عمران
 - ۵.۱.۲ - آیات ۹۷ و ۹۸ سوره یوسف
- ۶ - منابعی برای مطالعه بیشتر
- ۷ - پانویس
- ۸ - منبع

مفهوم شرک

شرک این است که [انسان](#) کسی را همتای خدا در [ذات](#) ، خالقیت، [مالکیت](#) ، [ربوبیت](#) و [عبادت](#) بداند و برای خدا در یکی از این امور شریک قائل شود؛ پس اگر کمک و [استمداد](#) از غیر خدا به‌گونه‌ای باشد که لازمه آن شریک قرار دادن برای خدا باشد؛ مثل اینکه برای غیر خدا در بر آوردن حاجت شأن و قدرتی مستقل از [قدرت](#) خدا قائل شویم، این شرک و [حرام](#) است؛ اما اگر در استمداد از غیر خدا قدرت مستقلی برای غیر خدا قائل نباشیم، بلکه در طول قدرت خدا و با اذن خدا بدانیم، این نه‌تنها شرک نیست؛ بلکه شواهدی از [قرآن](#) ، سنت و نیز عرف متشرعه آن را تأیید می‌کند.

بنابر این اگر از پیامبر اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وآله - و دیگر بندگان صالح خدا اموری را درخواست کنیم تا آنها به اذن خدا آن را انجام دهند، این شرک نیست؛ زیرا آنان را هم‌ردیف خداوند و مستقل در تأثیر قرار نداده‌ایم و درخواست کمک و استمداد از دیگری به معنای عبادت او نیست.

مفهوم دعا در قرآن

اشتباه در فهم معنای دعا در قرآن باعث شده است که برخی درخواست از غیر خدا و صیاد کردن غیر او را شرک و چنین شخصی را [کافر](#) و مهذور الدم بدانند. این افراد به بعضی از آیات قرآن استناد می‌کنند؛ مانند [آیه](#) شریفه «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»؛ "مساجد از آن خداست، دیگری را با خدا نخوانید".

[للجن \(۷۲\)، آیه ۱۸.](#)

و حال آنکه واژه دعا در قرآن به معنای گوناگونی به کار رفته است:

معنای دعا در قرآن

← ۱. عبادت

به معنای عبادت؛ مانند آیه شریفه فوق الذکر.
[۱۲] جن (۷۲)، آیه ۱۸.

← ۲. دعوت کردن

به معنای دعوت کردن و فراخواندن به سوی چیزی؛ مانند سخن **نوح** - علیه السلام - که فرمود: "پروردگارا قوم خود را شب و روز فراخواندم ولی دعوت من جز بر فرار (از حق) آنها نیفزود".
[۱۳] نوح (۷۱)، آیه ۵ و ۶.
این دعا همان دعوت آنان به سوی **ایمان** است و این نوع دعا نه تنها شرک نیست بلکه عین ایمان است و انجام آن بر پیامبران **واجب** بوده است.

← ۳. تقاضای حاجت از راه معمولی

به معنای تقاضای حاجت که گاه از طریق عادی و معمولی است؛ مانند « **وَ لَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا** »؛ "هنگامی که از شهود، دعوت برای ادا **شهادت** شود، نباید امتناع کنند".
[۱۴] بقره (۲)، آیه ۲۸۲.
این دعا در امور عادی است که به **یقین** اگر کسی آن را انجام دهد کافر نمی‌شود.

← ۴. تقاضای حاجت از راه غیر عادی

و گاه از طرق غیر عادی و **معجزات** است که این خود بر دو قسم است:

← ا. اعتقاد به استقلال غیر خدا در تأثیر

گاه با اعتقاد استقلال غیر خدا در تأثیر است. این قسم نوعی شرک است؛ زیرا تنها خداوند متعال مستقل در تأثیر است و غیر او، حتی اسباب عادی نیز هر چه دارند از خدا دارند و به اذن او اثر می‌گذارند. قرآن در این باره می‌فرماید: « **قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ رَزَعْتُمْ مِّنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا جُؤْيَا** »؛ "بگو کسانی را که غیر از خدا می‌پندارید بخوانید، آنها نمی‌توانند مشکلی از شما را برطرف سازند و نه در آن تغییری ایجاد کنند".
[۱۵] اسراء (۱۷)، آیه ۵۶.
هیچ فرد **مؤمن** آگاه و با ایمانی چنین عقیده‌ای را درباره هیچ یک از **انبیا** و بزرگان الهی ندارد.

← ب. اعتقاد به تأثیرگذاری خداوند

گاه از شخصی می‌خواهیم تا برای ما از خدا چیزی بطلبد. این نوع درخواست، **توحید انسان** کامل است. چنین فردی که بزرگی را واسطه و **شفیع** به درگاه خدا قرار می‌دهد و مسبب الاسباب و علت حقیقی و تأثیرگذار واقعی را خدا می‌داند، ولی با **توسیل** به اولیای الهی از آنها می‌خواهد که نزد خدا برای او تقاضای حاجتی کنند، این عین توحید و یگانه‌پرستی است. قرآن می‌گوید: « **وَ إِذْ قُلْتُمْ بِمُوسَىٰ لَنْ نُّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ فِئَانِهَا وَ قَوْمِهَا وَ عَدْسِهَا وَ بَصِلِهَا** »؛ **بنی اسرائیل** نزد **موسی** آمدند و از او تقاضا کردند که از خداوند غذاهای متنوعی برای آنها بخواهد. "ای موسی ما نمی‌توانیم به یک نوع غذا **قناعت** کنیم، از پروردگارت بخواه که از آنچه **زمین** می‌رویانند از سبزیجات و... برای ما فراهم سازد".
[۱۶] بقره (۲)، آیه ۶۱.
موسی هرگز به آنها ایراد نکرد که چرا مرا با خطاب "یا موسی" فرا خواندید و چرا مستقیماً خودتان از خدا نخواستید و این شرک و **کفر** است؛ بلکه موسی تقاضای آنها را از خدا خواست و حاجت آنها برآورده شد.

اعتقاد به نقش مخلوقات در تأثیر و تأثر

اعتقاد به نقش مخلوقات در تأثیر و تأثر و سببیت و مسببیت شرک نیست. لازمه توحید این نیست که نظام سببی و مسببی جهان را انکار کنیم و هر اثری را بلا واسطه از خدا بدانیم و برای اسباب هیچ نقشی حتی به صورت **طولی**، قائل نباشیم؛ مثلاً معتقد باشیم که **آتش** نقشی در سوزاندن و آب در سیراب کردن و باران در رویاندن ندارد، خداست که مستقیماً می‌سوزاند، مستقیماً سیراب می‌سازد و مستقیماً می‌رویانند. پس همچنان که اعتقاد به وجود مخلوق مساوی با شرک ذاتی و اعتقاد به خدای دوم نیست، بلکه مکمل و متمم اعتقاد به وجود خدای یگانه است، اعتقاد به تأثیر و سببیت و نقش داشتن مخلوقات در نظام **جهان** نیز با توجه به اینکه همان‌طور که موجودات استقلال در **ذات** ندارند، استقلال در تأثیر هم ندارند، شرک نیست.

چیستی مرز توحید و شرک

پس مرز توحید و **شُرک** این نیست که برای غیر خداوند نقشی در تأثیرات قائل بشویم یا نشویم؛ بلکه شرک آن است که اسباب دیگر را در عرض و کنار خداوند قرار دهیم و برای آنان استقلال در تأثیر قائل شویم. به عبارت دیگر، اعتقاد به **قدرت** و تأثیر مافوق طبیعی برای یک موجود مانند **فرشته** یا **پیامبر** و **امام** نیز مانند اعتقاد به تأثیر اسباب عادی شرک نیست و داشتن نقش مافوق حد عوامل معمولی، مستلزم اعتقاد به قدرتی در مقابل خدا نیست و موجودی که به تمام هویتش وابسته به **اراده** حق است و هیچ حیثیت مستقل از خود ندارد، تأثیر مافوق طبیعی او پیش از آنکه به خودش مستند باشد، مستند به حق است و او جز مجرای برای مرور فیض **حق** به **اشیا** نیست؛ همان‌گونه که واسطه فیض **وحی** و **علم** بودن **حزرتل** و واسطه **رزق** بودن **میکائیل** و واسطه احیا بودن اسرافیل و واسطه قبض **ارواح** بودن ملک الموت شرک نیست.

← نمونه‌هایی از آیات قرآن

برای روشن‌تر شدن بحث به دو نمونه از آیات قرآن اشاره می‌کنیم:

← آیه ۴۹ سوره آل‌عمران

قرآن از زبان **حضرت عیسی** می‌فرماید: "به اذن خدا کور مادرزاد و مبتلایان به برص را بهبودی می‌بخشم و مردگان را به **اذن** خدا زنده می‌کنم" **[۷۷ آل‌عمران (۳)، آیه ۴۹]**

← آیه ۲، آیات ۹۷ و ۹۸ سوره یوسف

فرزندان حضرت یعقوب بعد از اینکه پشیمان شدند، خدمت پدر رسیدند "گفتند پدر! از خدا **آمزش گناهان** ما را بخواه که ما خطاکار بودیم؛ گفت: به زودی برای شما از پروردگار **آمزش** می‌طلبم که او **غفور** و **رحیم** است." **[۷۸ یوسف (۱۲)، آیه ۹۷ و ۹۸]**

می‌بینیم که فرزندان **یعقوب** از عبارت "یا آبائا" استفاده کردند و آن حضرت آنها را از این کار نهی نکرد و نفرمود خودتان از خداوند بخواهید؛ پس معلوم می‌شود این هیچ‌گونه منافاتی با توحید ندارد.

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. مطهری، مرتضی، جهان‌بینی توحیدی، تهران، صدرا، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۴.
۲. مکارم شیرازی، ناصر، وهابیت بر سر دو راهی، قم، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع)، چاپ اول، ۱۳۸۴.

پانویس

۱. ↑ **حن (۷۲)**، آیه ۱۸.
۲. ↑ **حن (۷۲)**، آیه ۱۸.
۳. ↑ **نوح (۷۱)**، آیه ۵ و ۶.
۴. ↑ **بقره (۲)**، آیه ۲۸۲.
۵. ↑ **اسراء (۱۷)**، آیه ۵۶.
۶. ↑ **بقره (۲)**، آیه ۶۱.
۷. ↑ **آل‌عمران (۳)**، آیه ۴۹.
۸. ↑ **یوسف (۱۲)**، آیه ۹۷ و ۹۸.

منبع

[پایگاه اسلام کوئست](#).

رده‌های این صفحه: [توسیل](#) | [کلام](#)